

بانگ درای کاروان خاورشناسی ژاپن

ساقی بیا که عشق ندا می‌کند ز دور
کانکس که گفت قصه ماهم ز ما شنید
(حافظ)

دیدار شرقشناسان خراسان جهان* امسال به توکیو افتاده بود و بیست و ششمین کنگره خاورشناسی ژاپن در روزهای شنبه ۱۷ و یکشنبه ۱۸ نوامبر ۱۹۸۴ در دانشگاه «کی‌ئو» برگزار شد. تالار بزرگ و کهنه دانشگاه که نشان سالهای دراز درس و بحث مدرسه و قیل و قال گروههای بسیار را بر میز و نیمکت و در و دیوار داشت، دره‌های ملایم و مطبوع پاییز توکیو زیر ستونهای ستبر و کشیده بتون سرد و ساکت آرمیده بود تا افسون شرق و افسانه سرزمین‌های هزار و یکشب باز آنرا از شور و جوش و رمز و راز بپاکند.

دعا و ثنای سخنان افتتاحیه در جلسه شنبه دیر نکشید و کرسی خطابه را زود به دوسختران افتخاری کنگره سپردند. پرفسور فوجیو میتسوهاشی از دانشگاه چیبا در باره تمدن، هنر و علوم آناتولی سخن گفت و سیچو ماتسوموتو نویسنده چیره‌دست افسانه و تاریخ خاور زمین، یافته‌های ذهن پرسشگر خود را درباره تاریخ تمدن خاور دور در پیش نهاد.

سیچو ماتسوموتو نویسنده داستانهای تاریخی شاید امروزه محبوبترین نویسنده ژاپن باشد. نوشته‌های او سال پیش پرخواستارترین کتابها شناخته شد. این نویسنده پرتلاش

* در ادبیات و تاریخ قدیم، ژاپن سرزمین خاستگاه هور یا طلوع آفتاب نامیده شده، که همان خراسان است، و چین را سرزمین غروب آفتاب گفته‌اند. در آغاز سده هفتم میلادی (سال ۶۰۷) و در عهد ملکه سویکو، امپراتور شاهزاده شوتوکو نایب‌السلطنه و کشوردار با تدبیر ژاپن فرستاده امپراتور روانه دربار پادشاهان «سوی» در چین شد، نامه شاهزاده شوتوکو به امپراتور چین چنین آغاز می‌شد: «از امپراتور سرزمین طلوع خورشید به امپراتور کشور غروب آفتاب». در آنروزگار ژاپن و چین را دو کشور بزرگ اینسو و آنسوی جهان می‌دانستند. سرزمین طلوع خورشید را در فارسی بتساهل «کشور آفتاب تابان» ترجمه کرده‌اند، اما درستش همان خاستگاه هور یا خورآسان (خراسان) است، چنانکه درباره خراسان ما فخرالدین گرگانی در ویس و رامین می‌گوید:

زبان پهلوی هر کو شناسد خراسان آن بود کز وی خور آمد
خور آسان را بود معنی خورآیان کجا از وی خور آید سوی ایران

وتوان، شیفته تاریخ و تمدن شرق و راه ابریشم است و یافته‌های تحقیق و اندیشه و گشت‌وگذار خود را در تاریخ و فرهنگ شرق و پیوندها و داد و ستدهای تاریخی میان ژاپن و چین و آنسوی خاور با پرداختی استادانه و فریبا در پیرایه داستانها و نوشته‌های پرکشش تاریخی جان می‌بخشد و خواننده را باخود در دنیای رازگفته تاریخ و افسانه به پرواز می‌کشد. سیچو ماتسوموتو اینبار اسب سخن را پیرامون چین و ژاپن تاخت؛ اما جا دارد که به کتاب تازه او بنام «پرسپولیس» گاراآشوگانه (از تخت جمشید تا آشوکا) نگاهی بیفکنیم (آشوگا پایتخت و مرکز فرهنگی قدیم ژاپن بود تا سال ۷۱۵ میلادی که پایتخت به‌نارا منتقل شد) که در آن از ورای ویرانه‌های ایران باستان، مرغ اندیشه را به گذشته‌های دور پرواز داده و همانندی بعضی نقوش سرستونهای تخت جمشید را با طرح گل کوبک که نشانه امپراتوری ژاپن می‌باشد، گواه داد و ستد فرهنگی قدیم میان ایران و ژاپن یافته و نوشته است: بی‌تردید در دوران باستان، هزارها سال پیش، گونه‌ای مبادله معنوی و فرهنگی میان ایران و ژاپن از راه ابریشم انجام گرفته و تمدن و هنر این دو سرزمین از یکدیگر تأثیر پذیرفته است، اما چگونگی آن چنان در غبار تاریخ ناپیدا و محو است که امروزه بر ما روشن نیست.

ماتسوموتو در حالی از کتاب خود نقش سرشانه‌ها و آرایش موی تندیس مقدس بودایی «کانون» در معبد قدیمی هوریوجی (بنیاد شده در سال ۶۵۷ میلادی) را تأثیر هنر ایران دانسته و در جایی دیگر مجموعه شش مجسمه سنگی نزدیک شهر تاریخی نارا را نشانه نفوذ فرهنگ ایران بر ژاپن باستان شناخته است.

پرفسور فوجیو میتسوهاشی درباره تمدن و علوم و هنر ترکیه و آناتولی گفت که هزار و پانصد سال پس از سقوط امپراتوری قدیم آسیای صغیر و نیز با آمدن زبان ترکی و طریقت اسلام به این خطه، مردم آنجا هنوز چیزهایی از گذشته را از تاراج ترکان نگهداشته‌اند. قرن یازدهم میلادی نقطه عطفی در تاریخ آناتولی بود، غلبه ترکان بر آنجا به حکومت خاندانهای ارمن، یونانی و اسلاو پایان داد و بزرگان آرامنه را به کوچیدن به اقصی نقاط، تا مصر، ناگزیر ساخت. ترکان سلجوقی، اسلام و زبان ترکی را به آناتولی آوردند. از نظر سیاسی، ترکان بادیه‌نشین را رها ساختند و با گرفتن مایه‌های تمدن ایرانی و عرب و بیزانتین به ساخت و پرداخت تمدنی برای خود برآمدند. تا پایان قرن یازدهم، قبایل سلجوقی در آناتولی مستقر شدند و در اوایل قرن دوازدهم (سال ۱۱۳۴) ایکونوم یا قونیه، قلمرو پیشین بیزانتین، پایتخت سلاجقه روم شد و اینان پس از درگیری بسیار و ممتد با بیزانتین، سراسر آسیای صغیر جز چند ناحیه مانند دریای اژه، دریای مرمره و ترابوزان، را زیر حکومت خود آوردند. سخنران از مظاهر اجتماعی خاص در حیات اسلامی آناتولی گفت و اشاره‌ای به بنیاد فتوت یا فیتیان در سرزمین آناتولی داشت (درینباره رجوع شود به مقاله مرحوم سعید نفیسی درباره «فتوت نامه ناصری» و متن آن، فرهنگ ایران زمین، جلد دهم، ص ۲۲۸ و توضیحات و تصحیحات احمد گلچین معانی بر آن مقاله، همان مجله، جلد یازدهم، ص ۱۵۱-۹۳). ویژگی حکومت سلاجقه روم در ترکیب استادانه مایه‌های شرقی و غربی، یا اسلامی

ورومی، در ساخت و پرداخت نظام اداری، سیاسی، مالی و اجتماعی آنها بود که مورخان متأخر غربی مانند Peter Sugar, Claude Cahen و Speros Vyryonis به آن اشاره کرده‌اند. دکتر نعمت‌فؤاد کوپرولو دانشمند و استاد برجسته ترکیه‌جدیدویانی مجله «حقوق و اقتصاد تاریخی ترکیه» (استانبول، ۱۹۳۱) در رساله‌ای زیر عنوان «نگرش به نفوذ شیوه بیزانتین در نظام عثمانی» مدعی است که «پس از فتح استانبول، جنبه‌های زندگی درباری، اداری و سیاسی امپراتوری عثمانی تأثیر فراوان از بیزانس گرفت، اما مورخان اینرا فقط یکی از مایه‌های نظام تازه می‌دانند. نظام امپراتوری عثمانی را در واقع باید - بیزانس نوین - نامید» و بیگمان در چند سده منتهی به اشغال آناتولی نیز ترکان، بویژه سلاجقه روم، در نفوذ مستقیم تمدن بیزانس بودند. سلاجقه روم و امپراتوران عثمانی بر بیشتر ناحیه آناتولی، که مقر تمدن و سنت قدیم بیزانس است، تسلط داشتند. و بدینسان چند زبان و چند دین درین ناحیه رواج داشت. در این نظام، سیاست با دین یکی بود و سلطان رهبری حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و معنوی کشور را داشت.

دانشگاه کی‌ئو میعادگاه بیست و ششمین کنگره شرقشناسی ژاپن از بزرگترین مراکز علمی این کشور شناخته می‌شود و نخستین دانشگاه غیر دولتی است که یکصد سال پیش بهمت یکی از مردان ادب‌دوست ژاپن بنام یوکیچی فوکوزاوا (۱۹۵۱ - ۱۸۳۵) بنیاد شد. فوکوزاوا را نمونه برجسته مردانی از تیره سامورایی‌های قدیم دانسته‌اند که تحولات دوره تجدد ژاپن در نیمه دوم قرن نوزده آنانرا از سیاست و حکومت دور ساخت و، پس، راه اعتلا و ارضاء نفس سلیم و خدمت به خلق را در قلمرو فرهنگ و ادب جستند. فوکوزاوا در جوانی که سامورایی‌گمنامی بود در ایالت کیوشو، برای آموختن علم توپخانه و زبان هلندی به ناگاساکی که آزمون تنها دروازه ژاپن به دنیای خارج بود، رفت و بعدها به‌بتکار خود طب و زبان انگلیسی را به رشته‌های تحصیلش افزود و سپس در کار مترجمی مأموریت‌های دیپلماتیک از اروپا و امریکا دیدن کرد اما، پس از چندی، آشوب و ناآرامی زندگی سیاسی در هنگامه اوج خشم و خروش ضد خارجی در ژاپن او را از سیاست زده کرد و به تدریس و نوشتن و ترجمه رو آورد. در گرما گرم شیفستگی ژاپنی‌ها برای یافتن مایه‌های پیشرفت مغرب‌زمین، نخستین کتاب فوکوزاوا بنام «سی‌یو جی‌جو» (حال و هوای دیار غرب) که معرفی کوتاهی از کشورهای اروپا و حکومت و اقتصاد آنها بود با استقبال بسیار روبرو شد و نویسنده را به فراهم ساختن کتابهای دیگر درباره علم و زندگی و جامعه و سیاست غرب تشویق کرد. عواید سرشار این کتابها وقف بنیاد مدرسه‌ای شد که او در سال ۱۸۶۳ برای تدریس دانش جدید بالگوی مدارس غرب تأسیس کرد. این مدرسه بتدریج توسعه یافت تا که سرانجام «کی‌ئو گی‌جوکو» شد که امروز دانشگاه کی‌ئو نامیده می‌شود و همراه با «واسدا» که بهمت شینگه‌نوبو اوکسوما رجل نامی دوره مشروطیت ژاپن بنیاد شده قدیمترین و بزرگترین دانشگاه خصوصی ژاپن است.

فوکوزاوا زندگینامه خود را نوشته است و از آن برمی آید که او مردی بود نه محبوب همه کس، اما صاحب عزم؛ با روح آزادمنش که، با آنکه خود از خانواده سامورایی برآمده بود، برتری را در فضیلت می دانست نه در نسب. او سنت گرایی کورکورانه را نکوهش می کرد و فریافتن اندیشه ها و چیزهای خوب باختر زمین را می ستود، اما در این همه، و بالاتر از هر چیز، هدف او میهنی بود و اعتقاد داشت که ژاپن فقط با بهره بردن از روشنایی علم و تمدن جدید می تواند در همه مدارج حیات و در جنگ و هم در صلح نیرومند و پیشرو باشد.

در گوشه ای از بنای زیبای کتابخانه دانشگاه «کیئو» نمایشگاهی از آثار شین جی مائه جیما شرق شناس و استاد فقید این دانشگاه که سال پیش درگذشت، برگزار بود. همراه دوستان ایرانشناس ژاپنی ازین نمایشگاه دیدن کردم. خانم امیکو اوکانا ایرانشناس دانشگاه مطالعات خارجی توکیو از استاد خود حکایت های شیرین می گفت و به یاد داشت که مائه جیما تا چه پایه دلبسته خسرو و شیرین بود و شوق به افسانه های عاشقانه ادب پارسی را در شاگرد خود برانگیخته بود. ترجمه ها و نوشته های مائه جیما بسیارست و از جمله ترجمه ای از داستان هزار و یکشب. در اهمیت این ترجمه ها در شناساندن فرهنگ و ادب اینسوی شرق به مردم ژاپن همین بس که چندتن از دانشجویان ژاپنی در برابر این پرسش که چه چیز آنها را به انتخاب رشته فارسی کشید از خواندن ترجمه ژاپنی چند داستان از هزار و یکشب در نوجوانی یاد می کردند.

کنگره سالانه شرق شناسی نه تنها عرصه نمود تازه های تحقیق و یافته های پژوهندگان، که نیز، ترجیح بندی است در روند فعالیت «توهوگاکاری»، مؤسسه خاورشناسی ژاپن، و نیز فرصتی برای دیدار محققان گوشه و کنار ژاپن که کار و دلبستگی در رشته خاور شناسی آنها به یکدیگر پیوند می دهد. ازین رو بیراه نیست اگر مهمانی نخستین شب کنگره پر جنب و جوش ترین مراسم آن باشد. مهمانی امسال در یک رستوران چینی روبروی دانشگاه کیئو برگزار شد. یک لطف پذیرایی این مهمانخانه اینست که از میان خوراکی های گوناگون که بفاصله می آورند، هرکس کم و بیش چیزی موافق طبع و ذائقه اش پیدا می کند. آقای چوتومو ساکاموتو دانشیار دانشگاه کیئو که تحقیق در دوره صفویه و بازار اصفهان را دنبال می کند و برای هماهنگی کار و برنامه های کنگره سخت فعالیت داشت، از چند نفری خواست تا احساس و خاطره هاشان را از پژوهش در کار و گشت و گذار در دیار شرق برای جمع بگویند. شاهزاده میکاسا برادر امپراتور ژاپن هم که با مایه دانش و علاقه خود بر فعالیت های شرق شناسی اینسامان نظارت دارد، چند کلمه ای در این مجلس انس گفت و بدقلقی میکروفون را که با روند مداوم تاریخ لچ کرده بود و پی در پی قطع و وصل می شد، به دل نگرفت. شاهزاده میکاسا امسال مجموعه مقالات و یادداشتهای خود از سفر به سرزمین های شرقی را در کتابی بنام «خاورزمین و من» انتشار داده که بخش هایی از آنهام خاطرات سفر به ایران است.

تقسیم تخصصی کارکنگره به کمیته‌ها امسال نظم روشنی داشت و کلا چنانکه از مباحث آنها برمی‌آمد، کمیته اول به ادبیات و علوم انسانی، کمیته دوم به مطالعه تاریخ و ادبیات باستان، کمیته سوم به باستانشناسی و کمیته چهارم به فرهنگ و تمدن باستان پرداخته بود. مباحث کمیته اول بیشتر مربوط به زبان و ادب و فرهنگ ایران بود و چند سخنرانی در دیگر کمیته‌ها نیز، مانند بحث کاتسومی تانا به از موزه شرقی اوکایاما درباره اردشیر دوم، شاپور دوم و شاپور سوم بر پایه یافته‌های کاوشهای طاق باستان. در اینجا به مروری کوتاه در مباحث کمیته اول اکتفا می‌کنیم:

سخنران نخست کمیته اول خانم امیکو اوکادا استاد رشته فارسی دانشگاه مطالعات خارجی توکیو بود و موضوع سخن «تصویر زن در اشعار عاشقانه ادب فارسی». خانم اوکادا در مقدمه گفت که از قرن دهم (میلادی) ادبیات ایران برای اعتلا رفت و سه شاعر بزرگ حماسی یکی پس از دیگری درخشیدند؛ فردوسی شاعر حماسه‌های مردمی - تاریخی، نظامی شاعر حماسه‌های عاشقانه و رومی (مولوی) شاعر حماسه‌های (داستانهای) عرفانی. افسانه و سنت پایه و مایه این حماسه‌ها و داستانهاست.

یکصد و پنجاه سال پس از شاعران بزرگی مانند فردوسی که سیمای زن را در افسانه‌های قهرمانی و باورهای تاریخی و سنتی نشان دادند، نظامی در خسته خود شعر حماسی عاشقانه را به کمال رساند. پیش از فردوسی نیز شاعرانی چون عیوقی، عنصری (سده‌های ده و یازده) و فخرالدین گرجانی (سده یازده) در مشنوبهای عاشقانه خود سیمای زن را بسنت تغزلی ترسیم کردند که تأثیری بزرگ بر کار نظامی نهاد. پس از نظامی، که او را می‌توان میراث‌دار بزرگ افسانه‌های منظوم عاشقانه دانست، این سیمای زن در شعر فارسی همچنان می‌درخشد که نمونه برجسته آنرا در شعر قدیم می‌توان در سروده‌های امیر خسرو دهلوی، خواجه و بسیاری دیگر از شاعران دید.

خانم اوکادا در تجلی سیمای زن در شعر عاشقانه فارسی به سنت‌های ایرانی تکیه کرد، و چه خوب بود اگر که در کنار مقایسه ویس و رامین با ترستان و ایزوت، همتای این دو دلدادگان زنده یاد ادب پارسی در میان عاشقان جاوید در ادب ژاپن هم یافته می‌شد.

پرفسور ناکامورا استاد دانشگاه توکیو و پژوهنده تصوف که ریاست این بخش سخنرانی را داشت، پس از سخنان خانم اوکادا با چشم و سیمای پرسنده ازینسو و آنسوی تالار برای سخنرانی مدعی و مبارز می‌طلبید و از منم پرسید که پرشی ندارم؛ سرپایین انداختم.

سخنرانی خانم توشیکو اودا دانشیار توکیو در موضوع «قرآن، اعتقاد و اجتهاد» بود. او به تحلیل اصل اعتقادی منشأ آسمانی والهی قرآن و نزول آن بر پیامبر اسلام پرداخت و خواست تا در پرتو این اصل مفهوم «هدایت» و جهت آن در قرآن یعنی «صراط مستقیم» را باز نماید: قرآن، کلام خدا، هشدار دهنده و راهبر است؛ و باز اینکه هدایت، مانند اعتقاد، شخصی است و رابطه‌ای میان خدا و انسان (بهدی من یشاء الی صراط مستقیم» ۲: ۱۴۲ و ۲۱۳). به تعبیر سخنران، بررسی مبحث نجات و فلاح

در قرآن اهمیت اصل اعتقاد به منزل بودن قرآن را نشان می‌دهد. به این اعتبار که هدایت از چه منبعی است، چه کسانی هدایت می‌شوند و به کجا، مفهوم «هدایت» در قرآن بصورت فعل و صفت ظاهر می‌شود. در بسیاری از آیات چنین آمده است که خدا مؤمن (یا) آنکس که امید و اعتصام به خدا یافته باشد) را به صراط مستقیم هدایت می‌کند.

در مبحث «هدایت» این نکته اهمیت دارد که با آنکه نهایت و غایت نجات و فلاح اینست که مؤمن در آخرت به بهشت رود، هدایت (مستقیماً) به بهشت نمی‌انجامد بلکه صراط مستقیم راه می‌برد و این «صراط» در زندگی این دنیاست. شاید تعبیر سخنران در این مبحث اشاره به آیاتی باشد که قرآن را هادی پرهیزگاران می‌داند، آن‌انکه بر هدایت پروردگار روند و اینان رستگارانند (۲: ۵۰۲).

خانم اودا در بحث از نجات و فلاح افزود که در اسلام پاسخ به هدایت الهی تنها یک ایمان مذهبی محض نیست بلکه دارای کلیت و همه آنچیزی است که در نهایت به پای حساب می‌آید و در آن قضاوت می‌شود.

«دنیای ناسیونالیزم مالی» موضوع سخن تورو نومورا مدرس دانشگاه زبانهای خارجی کانسای بود. سخنران با اشاره به تاریخچه استعمار بریتانیا در شبه جزیره مالی، که با ایجاد اتحادیه مالی در سال ۱۸۹۶ به مرحله انجام رسید، و استثمار با کوچ دادن هندیان و چینیان به آنجا جامعه آمیخته‌ای را ساخت، افزود که ناسیونالیزم مالی در قرن بیستم به ظهور رسید. استقلال جویان این سرزمین سه گروه بودند: جوانان مسلمان در شهرها که از جنبش‌های ملل اسلامی در خاورمیانه و مصر تأثیر گرفتند اما نفوذ آنها در جامعه مالی اندک بود؛ دسته دوم افراط‌گرایان بودند که یک سازمان سیاسی بنام «اتحادیه جوانان مالی» در سال ۱۹۳۸ بنیاد کردند که سرانجام ارتش اشغالی ژاپن از آن بهره‌برداری نمود؛ و دسته سوم روشنفکران و تحصیلکرده‌های مالی بودند که، سرانجام استقلال را اینان به شبه جزیره مالی باز آوردند.

اومه‌ئو سوناگا از مدرسه عالی دختران سوریو در ایالت «نی‌گاتا» از اندیشه مانی و هیرائیسیم و روشنگری اسناد مانوی پیدا شده در سده اخیر سخن گفت. این اسناد گوشه‌هایی از زندگی و افکار مانی را بر پژوهندگان باز نموده و روشن ساخته است که او کودکی و جوانی خود را در میان یکی از فرقه‌های یهود گذرانده و نفوذاندیشه هایش در مکتب یهود مایه نوآوری در سده دوم میلادی و برآمدن مکتب عرفان موسوی بوده است. دانشمندان معاصر، از جمله I. Gruenwald و B. Visotzky به بررسی این تأثیر پرداخته‌اند و بویژه Visotzky در مقایسه میان بدعت دردین یهود و مکتب سنتی آن، نکته‌های مشابهی در متون این مکتب و اسناد مانوی دیده است که سیر تحول تاریخی دین یهود را تا اندازه بسیار روشن می‌سازد.

پرفسور سوناگا در بیان تحول آیین مانی سه مرحله را مشخص کرد: نزول اصول مانوی در قالب بنیادگرایی یهود، تحول این آیین و سرانجام آوردن آیین مانی در ترکیب نهایی آن. سخنران خواست تا با بررسی این مراحل ارتباط آنها را با مایه و بنیاد مانویت به دست دهد، هرچند که مطالعه زوایای تاریک آیین و نهضت مانوی

در پرتو اسناد تازه یافته، هنوز در میان راه است.

سخنران دیگر بخش ایرانشناسی آقای ناواتا استاد زبان فارسی دانشگاه کوماموتو بود که سالهاست به کار تحقیق و زبانشناسی فارسی و گویش‌های آریایی سرگرم می‌باشد و یک فرهنگ فارسی - ژاپنی، شاید برای نخستین بار فراهم آورده است. آقای ناواتا که نام کوچک تنسوئو یا «مرد آهنین» را دارد، به گویش پاشایی که در میان کوهستانیان جنوب نورستان در شمالشرقی افغانستان به آن سخن گفته می‌شود، پرداخت. این گروه از مردم نورستان حدود ۶۰۰۰۰۰ نفر برآورد می‌شوند. اشاراتی از گویش پاشایی در تقریرات مارکوپولو آمده است. اما شرقشناسان غربی مانند H. G. Raverty, R. C. Leech, Alexander Burnes در قرن نوزدهم به تحقیق و شناساندن این زبان پرداختند.

سخنران پس از برشمردن خصوصیات منطقه، به بررسی زبان پاشایی، بویژه از نظر آوایی و دستوری، پرداخت و با آوردن نمونه‌ای از ترکیبات و عبارات پاشایی، از بارهای ویژه گیهای این گویش در مقایسه با زبانهای ایرانی و زبانهای هندی نیز یاد کرد. جدا از بحث سخنران، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زبان نورستانی دریاور قدیم مردم این سامان با آمدن اسکندر به آنجا و تأثیر تمدن و زبان یونانی در این ناحیه و از آنجمله در گویش محلی مردم کوهستان، ارتباط دارد. تا چندی پیش این منطقه را کافرستان می‌گفتند و عبدالرحمن فرمانروای افغانستان این نام را به نورستان تغییر داد. آقای آکی نوری اوگادا از بررسی خود در اندیشه تجدد پارسیان هند، که آنرا تحولی تازه در آیین زرتشت شمرده، سخن گفت و مایه این نواندیشی را گرایش پارسیان به تمدن غرب بتأثیر نفوذ بریتانیای حاکم در هند قرن نوزدهم دانست. طریقت پارسیان هرچند که بر بنیاد سنت‌های کهنه بود، باز پژوهندگان غربی آنرا چیزی جدا از اندیشه بنیادین زرتشت یافتند. نواندیشان خواستند تا مایه‌های اصیل این آیین را بازشناسند، اما ره آورد این تلاش، پیرایه‌های مسیحی و تمدن غربی برای آیین زرتشت بود. سنت گرایان هم در برابر این موج یارای ایستادگی نیافتند، و از سویی نیز همراه با تجدد طلبان، تجلیات عرفانی را محور احیای این آیین شمرند، تا آنجا که جنبه‌های عرفانی تأثیر فراوان بر اندیشه امروز پارسیان هند داشته است.

در کنگره شرقشناسی ژاپن، امسال «ازدواج خدایان» نیز بهمت خانم ایکو مانوشیما از دانشگاه تومایا برگزار شد. راز و رمز عنوان این سخنرانی مرا به کمیته دوم گشاند. سخنران ازدواج خدایان را در منابع زبانهای آکاد و سومر بررسی کرد و گفت که ازدواج و پیوند شرعی میان خدایان موضوع کتابی به زبان سومری است. یک هزار سال پیش از میلاد مسیح بسیاری از خدایان مذکر یا مؤنث شناخته می‌شدند. منابع زبان آکاد درینباره شرح خاصی داده و حاکی است که بسیاری پیوندهای زناشویی میان خدایان این قوم برگزار شد، چنانکه میان نابو و تایشه مهتو، میان مردوک و زربانی - تو، میان شمش و آجا و میان آنو و آنتو، هرچند که این پیوندها فرزندان بسیار و نعمت فراوان به بار نیاورد.

خانم ماتسوشیما در هالهٔ رمز و رازی که موضوع سخنرانی و طبیعت آنرا پوشیده بود با بیانی نجوا مانند کوشید تا در اثبات سخن نمونه‌هایی از زبان آکاد را با معادل سومری مقایسه کند و روابط آنها را بازنماید و نیز مفهوم مراسم ازدواج خدایان اقوام بین‌النهرین باستان را بشناسد.

با آقای پرفسور نیهیچی ایموتو استاد و رئیس بخش فارسی دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا، فرصت صحبت دلپذیری دست داد. آقای پرفسور ایموتو که در میان ایرانشناسان ژاپن از احترام خاصی برخوردار است در فرهنگ قدیم و فولکلور ایران مطالعه می‌کند و کتاب ایشان «آشوکا - تو - پرشیا» (از آشوکا - ژاپن باستان - تا ایران) به بررسی مایه‌های فرهنگی دو ملت و تأثیر آنها در یکدیگر پرداخته است، همچنانکه بسیاری مقاله‌های دیگرشان در مجله‌های علمی و خاورشناسی ژاپن. پرفسور ایموتو از روابط دیرین فرهنگی ایران و ژاپن و رمز و رازهای آن با شیفتگی سخن می‌گفت، با این آرزو که زمینهٔ بهتر و بازتر برای یافتن نکته‌های تازه و ناشناخته در این قلمرو فراهم آید و جویندگان این راه فزاینده‌تر و پوینده‌تر باشند و خود نیز در فرصتی مطلوب، دیگر بار، آثار تمدن قدیم را در زیر بام فیروزه‌فام ایران ببیند.

آقای پرفسور شوکو اوکازاکی استاد بخش فارسی دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا و پژوهندهٔ مسائل کشاورزی و اجتماعی ایران، در میان گفتگو از برنامه‌های تحقیق خود در زمینهٔ اقتصاد کشاورزی ایران قرن نوزده، پرسید که آیا هیچ‌می‌دانم که در ژاپن قنات هست؟ با تمجب گفتم که از کویر کوچک ایالت توتوری ژاپن شنیده بودم، که ژاپنی‌های هوشمند و پرتلاش انواع میوه‌های مناسب اراضی کویری را آنجا پرورش داده‌اند، اما از قنات و کاریز در ژاپن چیزی شنیده‌ام. ایشان توضیح داد که در ایالت «می‌یه» قنات، با همان ویژگیهای قناتهای ایران هست، منتها کوتاهتر، و طول آن حداکثر به یک هزار متر می‌رسد. پرفسور اوکازاکی خیال داشت که همان هفته برای تحقیق در پدیدهٔ قنات در ژاپن به ایالت می‌یه سفر کند. یادم آمد که سالها پیش برای دیدن مقدس‌ترین زیارتگاه شینتو ژاپن که وقف خاندان امپراتوری است و می‌گویند که آیین مقدس و میراث آسمان، یکی از سه گنجینه و نشانهٔ امپراتوری ژاپن (آیین شمشیر و نگین مقدس) آنجا به‌ودبجه نهاده شده است، به ایسه مرکز ایالت می‌یه رفته بودم و از آن سفر حال و هوای آرامبخش معبد ایسه را با خروسهای دم‌دراز آن و گفتم و شنودی با روحانیان آنجا دربارهٔ اسلام و شینتو را هنوز در خاطر دارم.

فرصت گفتگوی کوتاهی هم با آقای کی‌گوئو نوذا یافتم که دانشیار بخش زبان‌شناسی دانشگاه ناگویا و با زبان فارسی آشناست، بحق گله داشت که در ناگویا سخندان پارسی‌گوی کمی است و فرصت صحبتی با اهل سخن کمتر پیش می‌آید. ناگویا شهر است دور از توکیو، و در سر راه کیوتو پایتخت تاریخی و اوساکا مرکز قدیم تجاری ژاپن. توجه بیشتر مجامع فرهنگی ایران به دانشگاهها و مراکز ایرانشناسی ناحیهٔ کانسای ژاپن (اوساکا، کیوتو، ناگویا، نارا و پیرامون آن) که خاستگاه فرهنگ قدیم این سرزمین و پایگاه دانشگاهها و پژوهندگان و شرق‌شناسان بنام است، بیش از پیش بایسته می‌نماید.